

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۲۶ جولای ۲۰۲۲



محمد محق

معمای فصیح الدین، رمزگشایی از روان‌شناسی مزدوران

در یک سال گذشته تهاجم‌های خونین، همراه با جنایت جنگی، از سوی گروه طالبان بر مخالفان شان انجام یافته و این جنایت‌ها از قندهار تا پنجشیر، اندراب، بلخاب و مناطق دیگری از کشور گسترده بوده است. یکی از کسانی که کوشیده است در نقش رهبری کننده این عملیات نمایان شود قاری فصیح الدین از تاجیکان بدخشان است که در ریختن خون همتبارانش عطش‌ناکتر از اربابان خود عمل کرده است. پرسشی که پیش می‌آید این است که پدیده فصیح الدین چگونه معمائی است و چه چیزی او را وا می‌دارد تا در شرارت و مسلمان‌کشی گوی سبقت از دیگران برآید؟

تصور مردم عام بر این است که اگر کسی قاری و حافظ قرآن باشد دل‌نرم‌تر و مهربان‌تر، و از جیفه قدرت و ثروت پاکیزه‌دامن‌تر خواهد بود. این تصور اما با واقعیت چندان برابر نیست، نمونه دیروزش جلالی مانند حجاج بن یوسف ثقفی، با قتل هزاران صحابی و تابعی و نمونه امروزش قاری فصیح الدین با کشتن صدها هموطن، به بهای منصبی نمایشی همراه با داشتن دو زن. این پدیده به ما می‌گوید که حفظ قرآن و قرائت آن لزوماً به اصلاح آدمی منتهی نمی‌شود و چه بسا به گفته مولانا:

"باده نه در هر سری شر می‌کند آن چنان را آن چنان‌تر می‌کند"

یعنی کسانی که سنگدل و درنده‌خویند با مسلح شدن به سلاح دین و به ویژه با در آمدن در کسوت حافظ قرآن، درنده‌تر شده، کارنامه‌ای خونین‌تر از خود بر جای می‌گذارند.

این اما همه زوایای این معما را نمی‌گشاید. زاویه مهم‌تر این قضیه برده‌خونی زنده‌ای است که خود را بی‌پروا در شخصیت فصیح الدین به نمایش می‌گذارد. ما با پدیده برده‌داری در تاریخ آشنائیم، اما بردگانی که قربانی جنگ‌ها و مناسبات تجاوزکارانه بودند، به حیث قربانی، سزاوار سرزنش و شماتت شناخته نمی‌شدند. آنچه در تاریخ بر آن اجماع بوده است زشتی برده‌خوئی رضاکارانه است که کسی با خرسندی بند بردگی را به گردن انداخته، برای خشنودی

بیگانگان دشنه در قلب مردم خود فرو کند. این میزان از فرومایگی نشانه تباهی شخصیت، فقدان عزت و کرامت، و انباشتگی از عقه حقارت است. اگر کسی با فنون مربوط به زبان بدن آشنا باشد در ویدیوهائی که فصیح الدین را در حضور ملا یعقوب نشان می‌دهد، براحتی می‌تواند ببیند که او با چه حقارتی رفتار یک مزدور زبون در برابر اربابش را به نمایش می‌گذارد. این پدیده ما را به این پرسش می‌رساند که آیا فرهنگ ما در نهادینه کردن مفاهیم بلندی مانند آزادگی، عزت، وقار، و سربلندی ناکام بوده است؟

معمای فصیح الدین به همین جا پایان نمی‌یابد. او که روزگاری در مدرسه حقانیه درس خوانده است، امروزه افزون بر کشتار همتبارانش، با گروه‌های تروریستی دیگر نیز پیوندهائی عمیق دارد و کسانی مانند مهدی ارسلان، که گویا رئیس انصار الله تاجیکستان و از همپیمانان القاعده است، تا جنگجویان اویغوری و ازبیکستانی بخشی از شبکه ارتباطی او هستند، برای به نامنی کشاندن تمام این منطقه. قاری فصیح الدین نمونه کاملاً معکوس این توصیف قرآن است: "أشداء علی الکفار رحماء بینهم" زیرا او و رهبرانش تلاش دارند با امریکائی‌ها، روس‌ها و چینی‌ها پیوند دوستی برقرار کنند، چنان که با استخبارات پاکستان و ایران کرده‌اند، اما با هموطنان و همتباران خود راه خون و کشتار را در پیش گرفته‌اند. فصیح الدین تنها یک شخص نیست، یک نمونه از عفونتی است که در درون یک فرهنگ رسوب کرده به شکل یک غلام تشنه به خون سر باز می‌کند، و چنین زخم چرکینی بدون جراحی عمیق، می‌تواند به تکثیر فصیح الدین‌های بیش‌تر با جنایات افزون‌تر بینجامد.